

## جایگاه «رسالت مطبوعات» در اسناد حقوقی بین‌المللی و ایران

نویسنده: محدثه اله یاری<sup>۱</sup>

### چکیده:

رسالت مطبوعات هدف و ارزشی است که مطبوعات باید بدان برسند. ما بر این باوریم که رسالت مطبوعات امری ذاتی نیست بلکه حاصل نظام ارزشی حاکم در هر جامعه می‌باشد. اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر هم بر این ادعا صحه می‌گذارند. برای اولین بار در سال ۱۳۶۴ با در نظر گرفتن فصلی جداگانه از قوانین رسانه‌ای کشور، از این نظریه پیروی کرده و با توجه به ارزش‌های دینی و انقلابی حاکم بر جامعه، مواردی را به عنوان رسالت مطبوعات در نظر گرفته است که این خود یکی از تأثیرات انقلاب اسلامی بر مطبوعات می‌باشد. در این مقاله تلاش شده است تا به این سئوالات پاسخ داده شود که رسالت مطبوعات به چه معناست؟ آیا امری ذاتی است یا عارضی؟ نظام حقوقی حاکم بر رسالت مطبوعات در قوانین ایران و اسناد حقوقی بین‌المللی چگونه است؟

**واژگان کلیدی:** رسالت مطبوعات، قانون مطبوعات، نظام حقوقی، قوانین ایران، حقوق بین‌المللی.

<sup>۱</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی  
پست الکترونیکی: [Allahyarimohadeseh@yahoo.com](mailto:Allahyarimohadeseh@yahoo.com)

## مقدمه:

مفسر معروف آمریکایی «والتر لیپمن»<sup>۱</sup> می گوید: «عقاید ما ناشی از تصوراتی است که اشیاء و مسائل در ذهن ما ایجاد کرده اند و مطبوعات یومیه در قسمت اعظم این تجسم، شرکت دارند.» (رزاقی، ۱۳۷۷: ۷۴) مطبوعات به مثابه ی رکن چهارم دموکراسی، نماد تفکر، فرهنگ و تحول ملل به شمار می آیند و به عنوان یکی از ابزار لاینفک توسعه در همه ابعاد محسوب می شوند. معیار تعیین میزان پیشرفت فرهنگی در هر جامعه غالباً با میزان حضور و نفوذ مطبوعات در جامعه مقایسه و سنجیده می شود. در حقیقت مطبوعات چشم و گوش مردم به حساب می آیند. آنچه امروزه از آن با عنوان مطبوعات یاد می کنیم، ترکیب جدیدی از ابزار اطلاع رسانی و فرهنگ سازی عمومی است که تا پیش از این هرگز به این صورت مطرح نبود. این پدیده همچون هر پدیده نوظهور دیگر با اهداف و رسالت های خاصی به عرصه مبادلات فکری و فرهنگی انسان پا نهاد که در فرهنگ ها و مکاتب متفاوت تا حدی گوناگون بود و تا امروز هم ادامه دارد. به تعبیر امام خمینی (ره) «مطبوعات در هر کشوری نقش اساسی را در ایجاد جوی سالم و یا ناسالم دارند.» (امام خمینی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۲۰۸)

هرگاه سخن از مطبوعات به میان کشیده می شود، واژه دیگری نیز در پهلوی مطبوعات می نشیند که آن واژه رسالت است. رسالت مطبوعات در هر جامعه ای با توجه به فرهنگ و اعتقادات آنان امری مهم تلقی می شود. لذا در هر کشوری با توجه به ارزش ها و هنجارهای حاکم بر آن رسالتی خاص برای مطبوعات تعریف می شود. در رابطه با رسالت مطبوعات کشورها از موضع یکسان پیروی نکرده اند؛ عده ای به آزادی مطلق و بی حد و حصر مطبوعات معتقدند و لذا برای مطبوعاتشان، ارزش، هدف و جهتی در نظر نمی گیرند ولی در مقابل عده ای از کشورها با توجه به ارزش های حاکم رسالتی برای مطبوعاتشان در نظر می گیرند که تعدادی برآند نیازی به تصریح رسالت مطبوعات در قانون نیست و تعدادی دیگر برآند که ارزش های در نظر گرفته شده در مطبوعات باید در قانون تصریح شود.

در کشور ما آزادی مطلق و بی حد مطبوعات پذیرفته نشده است، بلکه در اصل ۲۴ قانون اساسی ما به نوعی از آزادی، به نام آزادی هدایت شده معتقد هستیم. یکی از جلوه

<sup>۱</sup> - walter lipman

های این آزادی هدایت شده رسالت مطبوعات می باشد که در فصل دوم قانون مطبوعات متبلور شده است.

اسلام، آیین علمی و عملی است که پیام های رهایی بخش آن در هر اجتماعی هدف های انسانی را رهبری می کند. بی شک ارزش های فرهنگ ما که ناشی از مکتب الهام بخش اسلام است نیز از همین مقوله است؛ لذا رسالتی که برای مطبوعات در نظر گرفته می شود، باید از مکتب الهام بخش اسلام سرچشمه گرفته، و در راستای تحقق اهداف بلند انقلاب و در جهت رشد همه جانبه کشور باشند. از همین رو در کشور ما رسالت مطبوعات همسو با ارزش های دینی، اهداف جمهوری اسلامی ایران و قانون اساسی تعریف شده است. اما آن چه که در رابطه با رسالت مطبوعات اهمیت دارد آن است که: رسالت مطبوعات به چه معناست؟ آیا امری ذاتی است یا عارضی؟ نظام حقوقی حاکم بر رسالت مطبوعات در قوانین ایران چگونه است؟ در حقیقت در این مقاله به دنبال هستیم تا به این سولات در رابطه با رسالت مطبوعات پاسخ دهیم. فرضیه هایی که می توان در رابطه با این سولات مطرح کرد از این قرارند:

۱. به نظر می رسد که رسالت در عرصه مطبوعات چیزی متفاوت از کارکرد و وظیفه مطبوعات است.
  ۲. به نظر می رسد که رسالت مطبوعات برخاسته از ذات و کنه مطبوعات نیست، بلکه باید برای مطبوعات رسالتی را در نظر گرفت.
  ۳. به نظر می رسد که در قوانین ایران برای نخستین بار در سال ۱۳۶۴ فصلی از قوانین رسانه ای به تعیین رسالت آن ها اختصاص داده شد.
- در این مقاله در حد توان سعی شده است تا ضمن تبیین و تحلیل رسالت مطبوعات به جایگاه آن در حقوق بین الملل و حقوق داخلی پرداخته شود.

## تعریف مطبوعات

اولین شرط ورود در هر مسئله ای شناخت دقیق موضوع آن مسئله می باشد. در رابطه با رسالت مطبوعات هم ابتدا باید موضوع رسالت مطبوعات مشخص شود. منظور از موضوع در این حوزه آن چیزی است که رسالت باید بر روی آن پیاده شود، به بیان دقیق تر یعنی

شناخت محدوده‌ی شمول رسالت مطبوعات و این که رسالت مطبوعات چه مواردی را شامل می‌شود؟ همان طور که در خود عنوان رسالت مطبوعات هم آمده موضوع رسالت مطبوعات بر روی مطبوعات می‌باشد. اما مطبوعات به چه معناست؟

تیین دقیق واژه‌ها که اصطلاحاً «ترمینولوژی حقوق» خوانده می‌شود، از آن جهت ضروری است که قلمرو حکومت مقررات مورد بحث را روشن می‌نماید و به همگان می‌آموزد که قواعد حقوقی بر چه اموری حاکم بوده یا چه مواردی را دربر نمی‌گیرد. (اسماعیلی، ۱۳۷۵: ۳۸-۴۲)

در صدر اصل ۲۴ قانون اساسی آمده است: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند». در همین اصل واژه «نشریات و مطبوعات» را باهم آورده است. اما در ماده ۱ قانون مطبوعات آورده است که «مطبوعات در این قانون عبارت است از...». یعنی در قانون اساسی بین مطبوعات و نشریات تفاوت گذاشته در حالی که در قانون مطبوعات، مطبوعات را همان نشریات دانسته است. با این تفاسیر می‌توان بدین نتیجه رسید که مطبوعات اعم از نشریات هستند و نشریاتی هم وجود دارند که خصوصیت قانون مطبوعات را ندارند، درحقیقت، اصل ۲۴ قانون اساسی می‌خواسته آن نشریات را هم در نظر گرفته باشد. منظور از مطبوعات در این مقاله مطبوعات مورد نظر در قانون مطبوعات می‌باشد. پس برای شناخت عناصر تشکیل دهنده مفهوم مطبوعات و این که چه مواردی را می‌توان داخل یا خارج از آن دانست باید نص قانونی آن یعنی ماده ۱ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ را تجزیه و تحلیل کرد. ماده ۱ قانون مطبوعات عبارت از آن است که: «مطبوعات در این قانون عبارتند از نشریاتی که به طور منظم با نام ثابت و تاریخ و شماره‌ی ردیف درزمینه‌های گوناگون خبری، انتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، کشاورزی، فرهنگی، دینی، علمی، فنی، نظامی، هنری، ورزشی و نظایر این‌ها منتشر می‌شوند...»

باتوجه به این ماده نشریات باید دارای چهار ویژگی اساسی باشند: **نخست انتشار منظم:** این مورد در ماده ۱ آیین‌نامه‌ی اجرایی قانون مطبوعات توضیح داده شده است. منظور آن است که هر نشریه باید با گزینش «یکی از فواصل زمانی»، شماره‌هایش را منتشر کند. **دوم انتشار نام ثابت:** این ویژگی دارای یک سری شرایط است از جمله: ابتکاری بودن نام نشریه، مانوس بودن نام نشریه، عدم ایجاد شبهه وابستگی به سازمان‌های دولتی **سوم**

**ذکر تاریخ و شماره ردیف:** اگر مجموعه ای به طور منظم و با نام ثابت و در زمینه ای مشخص، ولی بدون ذکر تاریخ و شماره ردیف چاپ و منتشر شود، از نظر حقوقی به رسمیت شناخته نمی شود و موضوع قانون مطبوعات به شمار نمی رود. **چهارم زمینه فعالیت متن:** متقاضی انتشار نشریه می تواند یک یا چند مورد از موارد مورد اشاره در ماده ی ۱ رابه عنوان زمینه فعالیت خود انتخاب و به هیئت نظارت بر مطبوعات پیشنهاد کند. تغییر روش انتخابی با موافقت هیئت نظارت بلامانع است.

### تعریف و نقش رسالت مطبوعات

**الف - فلسفه و ماهیت مطبوعات:** پس از آن که موضوع و حدود رسالت مطبوعات را تعیین کردیم باید به تعریف جامعی از رسالت مطبوعات برسیم. ولی برای رسیدن بدین مقصود ابتدا باید فلسفه ی مطبوعات و ویژگی های آن را بشناسیم. از لحاظ حقوقی موضوعات حقوقی یا در دسته ی حوزه ی خصوصی (روابط اشخاص با یک دیگر) یا در حوزه ی عمومی (روابط اشخاص با دولت) قرار می گیرند. هر کدام از این حوزه ها دارای یک سری ویژگی ها هستند که آن ها را از هم دیگر متمایز می کند؛ مثلا در حوزه ی عمومی اصل بر آمرانه بودن هنجارهایش هست و همچنین اصل بر نظارت و عدم صلاحیت افراد هست اما در حوزه ی خصوصی اصل بر تفسیری بودن هنجارها است و آمرانه بودن هنجارها استثنا است و همچنین اصل بر فقدان نظارت و اصل بر اهلیت افراد در این حوزه می باشد. اما علاوه بر این دو حوزه، حوزه ی دیگری به نام حوزه ی میانی وجود دارد. حوزه ی میانی در حقیقت رابطه ی خصوصی میان افراد عمومی است. مطبوعات هم در این حوزه قرار می گیرند. اما باید توجه داشت که این حوزه نه کاملا خصوصی است و نه کاملا عمومی است. بلکه چیزی میان حوزه ی خصوصی و عمومی است. با این حال در هر جامعه ای با توجه به هنجارها و ارزش هایش مطبوعات یا بیشتر به سمت حوزه ی خصوصی و یا بیشتر به سمت حوزه ی عمومی رفته اند. در حوزه مطبوعات محور اصلی بحث بر روی دو نقطه است یکی آزادی بیان که به نوعی آزادی مطبوعات را در بر دارد و دیگری نظم عمومی. آزادی کامل مطبوعات، مطبوعات را به سمت حوزه ی خصوصی و حفظ نظم عمومی به وسیله مطبوعات یعنی همان نظارت کامل دولت و اصل بر عدم صلاحیت مگر آن

که صلاحیت احراز شود، مطبوعات را به سمت حوزه عمومی می کشاند. با بررسی اجمالی قانون مطبوعات کشورمان و ملاحظه مواردی همچون نظام مجوز دهی برای مطبوعات، نظارت پیشینی و پسینی بر مطبوعاتمان و موارد دیگر از این قبیل به این نتیجه می رسیم که مطبوعات در کشور ما بیشتر به سمت حوزه عمومی رفته اند؛ هرچند که رگه های کمرنگی از حوزه خصوصی مانند حق پاسخ در قانون مطبوعات به چشم می خورد. پس از طرح این مقدمه کوتاهی به این نتیجه می رسیم که رسالت مطبوعات که در فصل ۲ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ آمده است در حقیقت برای حفظ نظم عمومی است. همان طور که اشاره کردیم فلسفه و چرایی مطبوعات برای دو هدف عمده است. یکی آزادی بیان و دیگری حفظ نظم عمومی. در کشور ایران فلسفه مطبوعات به سمت حفظ نظم عمومی رفته است و تعیین رسالت برای مطبوعات در حقیقت برای حفظ آرمان ها و ارزش های جمهوری اسلامی و حفظ نظم عمومی می باشد. به بیان دیگر آزادی ای که در اصل ۲۴ قانون اساسی برای مطبوعات در نظر گرفته شده است یک آزادی مطلق و بی حد و حصر نیست و به نوعی می توان آن را آزادی هدایت شده دانست که رسالت مطبوعات یکی از جلوه ای این آزادی هدایت شده می باشد.

## **ب- مسئولیت اجتماعی مطبوعات و رابطه ی آن با رسالت مطبوعات:**

مطبوعات و جامعه یک رابطه ی تنگاتنگ وجود دارد. درحقیقت در نظریه ی مسئولیت اجتماعی رسانه ها و مطبوعات، ما بعد حقوقی را به بعد اجتماعی ربط می دهیم و از همین جاست که رسالت مطبوعات و مسئولیت دولت در این زمینه به وجود می آید. برای بررسی این نظریه ابتدا خود مسئولیت اجتماعی را تعریف می کنیم و بعد به مسئولیت اجتماعی رسانه ها و مطبوعات می پردازیم.

مسئول بودن از نظر اجتماعی بدان معناست که انسان ها باید با اخلاق و با حساسیت نسبت به مسائل اجتماعی، فرهنگی و محیطی رفتار کنند. یعنی افراد در برابر رفتارشان در جامعه احساس مسئولیت کنند.

رضا وطن دوست در کتاب مسئولیت پذیری و مسئولیت گریزی در بین تعریف هایی که از انواع مسئولیت کرده اند، مسئولیت اجتماعی را این گونه تعریف کرده اند: «مسئولیت

اجتماعی عبارت از تعهدات و مسئولیت هایی است که انسان در فرایند زندگی اجتماعی و تعامل با دیگران ناگزیر از رعایت آن می باشد.» (وطن دوست، ۱۱:۱۳۸۸)

در قرن بیستم در آمریکا این فکر به وجود آمد که رسانه‌ها تنها صنعت منحصر به فرد برای محافظت از منشور حقوق شهروندان هستند و باید به تعهد اجتماعی پایبند باشند. این نظریه که از سوی کارورزان رسانه‌ها و قوانین رسانه‌ها و تحت تأثیر کمیون آزادی مطبوعات کامل شد، بر آن است که علاوه بر اطلاع‌رسانی، سرگرمی و فروش (مانند نظریه آزادی خواهانه)، رسانه‌ها باید موجب تضارب آراء شده و مباحث را رشد دهند. این نظریه معتقد است، هر شخصی که سخن مهمی دارد، باید یک تریبون آزاد در اختیار داشته باشد و اگر رسانه‌ها این وظیفه را انجام ندهند، باید کسی مراقب باشد، تا آنها این کار را انجام دهند. بر اساس این نظریه، رسانه به وسیله عمل مصرف کننده، عقاید جامعه و اخلاق حرفه‌ای کنترل می‌شود و در بخش پخش به خاطر محدودیت‌های فنی که در تعداد فرکانس‌ها وجود دارد، توسط مراجع دولتی کنترل می‌شود. بر اساس این نظریه آزادی مثبت مورد تأکید قرار گرفته، آزادی بیان، حق اخلاقی محسوب شده و نمی‌تواند به صورتی لجام گسیخته به هر سو روانه شود. این مطلب بر عکس نظریه‌ی آزادی‌گرایی است؛ که بر آزادی از هرگونه قید و بند بیرونی تأکید دارد. (Tankard, Werner ;1386:443) اصل سوم از اصول بین المللی اخلاق حرفه‌ای<sup>۱</sup> با عنوان مسئولیت اجتماعی روزنامه نگار<sup>۲</sup> مسئولیت اجتماعی روزنامه نگار را این گونه تعریف کرده است: «اطلاعات در روزنامه نگاری نه یک کالا بلکه یک (خبر اجتماعی) است و این امر به این معناست که روزنامه نگار در مسئولیت انتقال اطلاعات سهیم است و لذا نه تنها در برابر کسانی که رسانه‌ها را کنترل می‌کنند بلکه نهایتاً در برابر مردم به طور کامل و مشتمل بر انواع منافع اجتماعی، باید پاسخگو باشد. مسئولیت اجتماعی روزنامه نگار وی را ملزم می‌سازد که تحت هر شرایطی همسو با وجدان اخلاقی خود عمل کند.»

<sup>۱</sup> - International Principles of Professional Ethics in Journalism, 1983, paris.

<sup>۲</sup> - The journalist's social responsibility

با توجه به مطالب ذکر شده مسئولیت اجتماعی مطبوعات را می توان این گونه تعریف کرد: مطبوعات حق دارند از دولت و بخش های مختلف آن و از سیاست های حاکم بر جامعه انتقاد کنند و آنها را به چالش بکشند اما خود نیز در برابر منافع و نیازهای جامعه مسئولند و باید پاسخگو باشند، چرا که با اشتباه آنها افکار عمومی نیز مرتکب خطا می شود. این نظریه بین نظریه ی آزادی و مسئولیت میان رسانه ها پیوند برقرار می کند. چون هر جا آزادی ها گسترش پیدا می کند باید تکالیف و مسئولیت هایی نیز به دنبال داشته باشد در غیر این صورت ممکن است مشکلاتی پیش آید که اصل ضروری آزادی را زیر سوال ببرد. نکته محوری و اساسی در بحث نظریه مسئولیت اجتماعی مطبوعات موضوع اساسی قدرت رسانه های خبری است و این که چگونه می توان این قدرت را کنترل کرد. در این نظریه پرسش اساسی آن است که چگونه می توان آزادی مطبوعات را هدایت کرد به نوعی که به اساس جامعه ضربه نزند. در این تئوری روزنامه نگار و اهل مطبوعات بیش از آنکه به فکر تامین نیاز مخاطب باشد باید به فکر مصلحت مخاطب باشد. حق پاسخگویی از شاخصه های دیگری این تئوری می باشد. بر اساس این تئوری مسئولیت اجتماعی مطبوعات مهم تر از آزادی آن است و انتشار مطالب و اطلاعاتی که از نظر اجتماعی زیان بارند ممنوع است.

پس بنا بر این تئوری مهم که ابتدا از سوی کشور آمریکا مطرح شد، مسئولیت اجتماعی به حوزه ی مطبوعات و رسانه ها هم کشیده می شود. از این جاست که بعد حقوقی با بعد اجتماعی رابطه پیدا می کند. بر اساس این نظریه مهم است که مهم می شود که روزنامه نگار چه چیزی در دست مخاطب قرار می دهد. در حقیقت این جا همان احساس تعهد مطرح می شود و این که اهل مطبوعات به آن چه که در دست مردم قرار می دهند احساس تعهد کنند. از همین تئوری است که رسالت مطبوعات مطرح می شود و دولت مسئول به حساب می آید مثل مسئولیت دولت در رابطه با مطبوعات در اصل ۳ قانون اساسی ایران و یا این که مطابق اصل ۲۴ قانون اساسی ایران رسالت مطبوعات باید در جهت آزادی های هدایت شده برای حفظ نظم عمومی باشد.

**ج- تعریف رسالت مطبوعات:** برای رسالت مطبوعات تعریف های زیادی شده است و دیدگاه های متفاوتی در این باره وجود دارد. یک دیدگاه آن است رسالت مطبوعات به معنای کارکرد و وظیفه ی مطبوعات است. به نظر می رسد که این دیدگاه، دیدگاه درستی



نمی باشد زیرا رسالت مطبوعات چیزی جدا از کارکرد و وظیفه ی مطبوعات است. کارکرد و وظیفه ی مطبوعات را می توان در جوامعی که هدف کلی مطبوعاتشان را آزادی بیان در نظر گرفته اند هم شاهد باشیم. در حقیقت کارکرد و وظیفه ی مطبوعات بدون در نظر گرفتن هدف برای مطبوعات می باشد. دیدگاه دیگر بر آن است که قید «استفاده ی صحیح از مطبوعات و رسانه ها» در اصل ۳ قانون اساسی همان رسالت مطبوعات می باشد. در حقیقت بر اساس این دیدگاه استفاده ی صحیح از مطبوعات رسالت مطبوعات به شمار می رود. هرچند که قید استفاده ی صحیح دارای ابهام است و بسیار کلی است اما نمی توان آن را معادل رسالت مطبوعات دانست؛ به نظر می رسد فصل اول قانون اساسی اصول کلی را مطرح کرده است و حرکت در راستای این اصول همان استفاده ی صحیح از مطبوعات باشد. با توجه به مطالب مطرح شده و بررسی دیدگاه های ارائه شده برای رسالت مطبوعات، می توان رسالت مطبوعات را این گونه تعریف کرد: رسالت برای مطبوعات در حقیقت ارزش و هدفی است که برای مطبوعات در نظر می گیریم. یعنی مطبوعات یک هدفی دارند که باید به آن برسند. به عبارت دیگر رسالت مطبوعات در راستای همان آزادی های هدایت شده مطبوعات در اصل ۲۴ قانون اساسی می باشد. یعنی آزادی مطبوعات مطرح شده در اصل ۲۴ قانون اساسی یک آزادی بی حد و حصر و نامحدود نمی باشد بلکه این آزادی ها باید در جهت خاصی هدایت شوند و یکی از هدایت های این آزادی ها در ماده ی ۲ قانون مطبوعات جلوه گر شده است. پس با این حساب رسالت مطبوعات هدف و ارزشی است که برای مطبوعاتمان در نظر می گیریم که مطبوعاتمان باید در آن راستا حرکت کنند. تعیین رسالت برای مطبوعات یعنی جهت دهی، هدف گذاری و ارزش گذاری برای مطبوعات که مطبوعات در راستای آزادی های هدایت شده به این ارزش ها و اهداف برسند. تعیین رسالت برای مطبوعات به نوعی آزادی مطلق مطبوعات را زیر سوال می برد که بعدا به این مورد بیشتر خواهیم پرداخت.

تعریف دیگری هم از رسالت رسانه ها این گونه ارائه شده است: «رسالت رسانه ها به احساس تعدی گفته می شود که رسانه ها و گردانندگان آن ها نسبت به ارائه یا عدم ارائه اطلاعات و اخبار احساس می کنند.» (اسماعیلی، ۱۳۸۸: ۱۱-۲۶)

اما مطلب مهمی که در این جا مطرح می شود آن است که رسالت مطبوعات بر چه اساسی تعیین می شود؟ رسالت مطبوعات در هر جامعه ای و در هر زمانی متفاوت می باشد. یعنی رسالت برای مطبوعات یک امر نسبی است که از هر جامعه ای به جامعه ای دیگر و از هر زمانی به زمان دیگر متفاوت می باشد. بنابراین آن چه که مسلم است آن است که رسالت مطبوعات با توجه شرایط و ارزش ها و آرمان های موجود در جامعه تعیین می شود. اما در رابطه با نوع انعکاس ارزش های جامعه اختلاف نظر است. دیدگاهی بر آن است که چون رسالت مطبوعات رسالت اهل جامعه است. بنابراین باید فقط در جامعه تعیین شود و نیازی به تعیین و ذکر رسالت مطبوعات در قانون نیست. دلایل این عده هم آن است که شرایط و نیازها و ارزش های جامعه مرتب در حال تغییر است و محدود کردن رسالت مطبوعات در قانون نمی تواند انعکاس همه ی ارزش های موجود در جامعه باشد. اما دیدگاه دیگر دقیقا نقطه ی مقابل این دیدگاه است و بیان می کند که ارزش های جامعه باید در قالب قانون قرارگیرند تا بهتر بتوانند حافظ حقوق و منافع جامعه و افراد باشند و این گونه ضمانت اجرای تخلف از ارزش های تعیین شده برای رسالت مطبوعات محکم تر خواهد بود.

## ماهیت رسالت مطبوعات

### الف) ذاتی بودن یا عارضی بودن رسالت مطبوعات:

نظریه ذاتی بودن رسالت مطبوعات مربوط می شود به نگرشی که در قرن بیستم نسبت به آزادی بیان مطرح شد. در آن زمان خبرگزاری ها دریافتند که ارائه مطالب، بدون گرایش خاص و اظهارنظرهای شخصی نه تنها از نظر مخابراتی ارزان تر تمام می شود بلکه تعداد بیشتری از مخاطبان را می تواند تحت پوشش قرار دهد. ( schramm, 1965:60 )

ذاتی بودن رسالت مطبوعات بدان معناست که برای مطبوعات رسالتی قائل نباشیم، زیرا خود مطبوعات در ذات خود دارای رسالت می باشند. طرفداران این نظریه بر این باورند که در نظر گرفتن رسالت برای مطبوعات می تواند با هدف مطبوعات در تعارض باشد. در حقیقت این نظریه در جوامعی پذیرفته شده است که هدف اصلی و ماهیت مطبوعات را آزادی کامل مطبوعات می دانند؛ بنابراین اگر برای مطبوعات رسالتی در نظر بگیریم باید

مطبوعات را محدود کنیم به رسالتی که در نظر گرفته ایم و در این صورت آزادی کامل مطبوعات تحقق پیدا نمی کند. پس به طور کلی این نظریه بر این باور است که مطبوعات فقط به عنوان وسیله و ابزار به کار می روند و در نظر گرفتن هدف برای مطبوعات مخالف با فلسفه ی وجودی مطبوعات که همان گردش آزاد اطلاعات و آزادی کامل مطبوعات هست می باشد؛ بنابراین رسالت مطبوعات در ذات و کنه مطبوعات می باشد و مطبوعات باید هر نوع اخبار و اطلاعاتی را منتقل کنند چه این اخبار با ارزش های جامعه و منافع جامعه سازگار باشد و چه سازگار نباشد.

اما عارضی بودن رسالت مطبوعات بدان معناست که مطبوعات در ذات و کنه خود دارای رسالت نمی باشند بلکه باید نقش و هدفی برای مطبوعات در نظر گرفت تا مطبوعات بدان برسند. این هدف و نقش در هر جامعه ای با توجه به نظام های ارزشی هر جامعه تعیین می شود. در حقیقت بر اساس این نظریه فلسفه و هدف مطبوعات آزادی کامل مطبوعات نمی باشد بلکه برای حفظ نظم عمومی می باشد. یعنی مطبوعات هدفشان برای حفظ نظم عمومی می باشد و برای رسیدن بدین منظور باید رسالتی برای مطبوعات در نظر گرفت که این رسالت را ارزش های جامعه و منافع عمومی جامعه تعیین می کند. پس به طور کلی بر اساس این نظریه مطبوعات باید ارزش گرا باشند و این ارزش گرا بودن مطبوعات منافی با اصل آزادی اطلاعات نمی باشد.

بر اساس تحقیقی که در ایران از خوانندگان روزنامه به منظور آگاهی از دیدگاه های خوانندگان درباره رسالت و نقش روزنامه صورت گرفت این نتیجه به دست آمد: برخی از خوانندگان روزنامه معتقدند روزنامه باید به تاثیر اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مطالب خود احساس مسئولیت کند. در حالی که یک گونه از خوانندگان اعتقاد به «عینی گرایی مطلق» دارند و روزنامه را مجاز به چاپ هر گونه عکس و مطلب می دانند. این گروه معتقدند روزنامه باید منعکس کننده واقعیت های جامعه باشد تا آنان بتوانند به ادراک درستی از محیط اطراف خود دست یابند. (بدیعی، ۱۳۷۰: ۲۰۵-۲۳۴) در این جا هم خوانندگان روزنامه دو دسته هستند. دسته ای که معتقد به رسالت و ارزش گرایی و مسئولیت برای روزنامه هستند یعنی همان نظریه عرضی بودن رسالت برای مطبوعات و دسته ای که

معتقدند که رسالت مطبوعات در ذات مطبوعات است و نقش و ارزشی برای مطبوعات در نظر نمی‌گیرند، یعنی همان نظریه ذاتی بودن رسالت مطبوعات.

### **ب) ماهیت رسالت مطبوعات در حقوق بین الملل و حقوق ایران:**

بعد از آن که مشخص شد که ماهیت رسالت مطبوعات چیست باید آن را در حقوق بین الملل، در سطح منطقه ای و حقوق ایران بررسی کنیم. در این بخش ماهیت رسالت مطبوعات یعنی همان ذاتی یا عارضی بودن رسالت مطبوعات را ابتدا در اسناد بین المللی و سپس در اسناد منطقه ای و در نهایت در حقوق ایران مورد بررسی قرار خواهیم داد.

#### **۱. حقوق بین المللی:**

##### **• اعلامیه ی جهانی حقوق بشر:**

اعلامیه ی جهانی حقوق بشر با آن که دارای ضمانت اجرای حقوقی نیست ولی دارای ضمانت اجرای اخلاقی می باشد. در ماده ۱۹ این اعلامیه آزادی گردش اطلاعات به صراحت مطرح شده است و بر آزادی همه انبای بشر در کسب اطلاعات و افکار در اخذ و انتشار آن تاکید شده است. طبق این ماده: «هرکس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.»

با دقت در مفاد این ماده به این نتیجه می‌رسیم که از نظر حقوق بشر یکی از ابتدایی ترین نیازها و حقوق اساسی بشر دسترسی او به همه گونه اطلاعات و اخبار است؛ به گونه ای که هیچ خدشه ای به حق جست و جو، انتخاب و انتشار او وارد نگردد. در حقیقت در این ماده بدون این که اشاره ای به محدودیت اصل آزادی در کسب اطلاعات و افکار و اخذ و انتشار آن ها به انواع وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی صریحا اشاره می کند به طور مطلق اصل آزادی اطلاعات و ارتباطات را مورد تصریح قرار داده است. این ماده یکی از مصادیق ذاتی بودن رسالت مطبوعات می باشد که موافقان این نظریه بدان استناد می کنند.

اما ماده ۱۲ اعلامیه ی مزبور به حق احترام نسبت به حریم خصوصی و حمایت قانونی از افراد در برابر مداخلات و حملات خودسرانه صراحت دارد.

همچنین در بند ۲ ماده ۲۹ اعلامیه ی جهانی حقوق بشر، اشخاص را در بهره مندی از حقوق و آزادی های فردی، تابع محدودیت های قانونی ناظر به رعایت حقوق و آزادی های دیگران و مقتضیات صحیح اخلاق و نظم عمومی و رفاه عمومی دانسته است. این ماده بر خلاف ماده ۱۹ یکی از مصادیق نظریه عرضی بودن رسالت مطبوعات می باشد که موافقان این نظریه بدان استناد می کنند.

بنابراین آن چه که از این سند بین المللی که وظیفه ی اصلی آن حمایت از حقوق بنیادین بشر می باشد استنباط می شود آن است که آزادی مطبوعات مطلق نمی باشد. استفاده از این آزادی ها که در ماده ۱۹ اعلامیه مقرر شده است از یک سو محدود به رعایت حفظ شرافت و اسم و رسم و حریم خصوصی افراد است و از سوی دیگر محدود به رعایت نظم عمومی و رفاه همگانی در شرایط یک جامعه دموکراتیک بر اساس قانون می باشد. پس می توان به نتیجه رسید که این سند بین المللی، رسالت مطبوعات را امری ذاتی نمی داند و معتقد به ارزش گرا بودن رسانه ها می باشد و ارزش گرا بودن رسانه ها را مغایر با اصل جریان آزاد اطلاعات و حقوق بشر نمی داند.

#### • میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی:

اصل حق آزادی اطلاعات در بند ۲ ماده ۱۹ این اعلامیه (مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد) پذیرفته شده است. طبق بند ۲ این ماده: «هرکس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهها یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا به وسیله دیگر به انتخاب خود می باشد.»

این اعلامیه بعد از آن که اصل آزادی اطلاعات را به صورت مطلق می پذیرد بلافاصله در بند ۳ ماده ۱۹ اعلام می دارد: «اعمال حقوق مذکور در بند ۲ این ماده مستلزم حقوق و مسئولیت های خاص است و لذا ممکن است تابع محدودیت های معینی بشود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد:

الف - احترام به حقوق یا حیثیت دیگران

ب - حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی»

همچنین طبق ماده ۲۰ میثاق «هرگونه تبلیغ برای جنگ به موجب قانون ممنوع است. هرگونه دعوت (ترغیب) به کینه (تنفر) ملی یا نژادی یا مذهبی که محرک تبعیض یا مخاصمه یا اعمال زور باشد، به موجب قانون ممنوع است.» همان گونه که ملاحظه می شود با توجه به آن که طبق میثاق اصل آزادی اطلاعات پذیرفته شده است، اما این آزادی به طور مطلق و نامحدود نیست. در واقع میثاق بین المللی مدنی و سیاسی هم ارزش گرا بودن مطبوعات را منافی با فلسفه ی مطبوعات نمی داند. بنابراین نه تنها اعمال محدودیت های قانونی بر مطبوعات با اسناد بین المللی حقوق بشری منافات ندارد بلکه مطبوعات باید با توجه به اعتقادات و ارزش های حاکم بر جامعه اشان ارزش و هدفی برای خود در نظر بگیرند تا بدان دست یابند.

### • اصول بین المللی اخلاق حرفه ای روزنامه نگاری

اصول بین المللی اخلاق حرفه ای در روزنامه نگاری در طی چندین نشست مشورتی (۱۹۷۸ الی ۱۹۸۳) در یونسکو به وسیله تعدادی از سازمان های روزنامه نگاری منطقه ای و بین المللی برپا و تهیه و تصویب گردید. این اصول به عنوان سنگ بنای پایه ای برای تهیه ی قوانین اخلاقی در سطوح ملی و منطقه ای فراهم شده اند. اصل ششم از این اصول با عنوان احترام به حریم خصوصی و شئون انسانی بیان می دارد: «احترام به حق فردی، حفظ حریم و اسرار خصوصی و شئون انسانی که با قوانین ملی و بین المللی مربوط به حفظ حقوق و شهرت افراد، منع افتراء، تهمت، توهین و مخدوش نمودن شهرت افراد هماهنگ است، بخشی لاینفک از معیارهای حرفه ای روزنامه نگار محسوب می شود.»

همچنین اصل هفتم از این اصول با عنوان احترام به منافع عمومی بیان می دارد: «معیارهای حرفه ای روزنامه نگار، احترام بایسته را برای جامعه ملی، نهادهای دموکراتیک و عفت عمومی تجویز می کند.»

با این که اصل اول از این اصول در رابطه با حق مردم در دستیابی به اطلاعات حقیقی است و اصل دوم در رابطه با وقف عینی روزنامه نگار می باشد؛ اما اصول ششم و هفتم محدودیت های این اصول به شمار می روند که نشان می دهد روزنامه نگار از آزادی مطلق بهره مند نمی باشد و به نوعی در حیطه ی روزنامه نگاری که از انواع مطبوعات به شمار می رود باید یک سری از محدودیت ها رعایت شود تا به هدف اصلی آزادی مطبوعات و

رسالت مطبوعات صدمه ای وارد نگردد. این خود نشان دهنده ی پیروی طراحان این اصول از نظریه ی عارضی بودن رسالت مطبوعات می باشد.

## ۲. حقوق منطقه ای:

### الف) کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی:<sup>۱</sup>

این کنوانسیون در ۴ نوامبر ۱۹۵۰ در رم به تصویب رسید. ماده ۱۰ آن علاوه بر تصریح به اصل آزادی اطلاعات و ارتباطات و لزوم رعایت محدودیت های مربوطه به ضمانت اجرای کیفری در جهت حفظ حدود مزبور اشاره دارد. ماده مزبور مقرر می دارد:

«۱- هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی داشتن نظریات و دریافت و

اشاعه اطلاعات و اندیشه ها بدون مداخله مراجع دولتی و قطع نظر از مرزهاست. این ماده مانع از آن نخواهد بود، که دولت ها موسسات سخن پراکنی تلویزیونی و سینمایی را ملزم به اخذ پروانه کنند.

۲- اعمال این آزادی ها چون مستلزم تکالیف و مسئولیت هایی است، ممکن است تحت تشریفات، شرایط، تصمیمات یا مجازات هایی قانونی قرار گیرد که در جامعه دموکراتیک برای منافع امنیت ملی، تمامیت ارضی، سلامت عمومی، حفظ نظم و پیشگیری از جرایم، حمایت از بهداشت یا اخلاقیات، حمایت از حیثیت و حقوق دیگران، جلوگیری از افشای اطلاعات که محرمانه دریافت شده یا برای حفظ اقتدار و بی طرفی قوه قضائیه لازم باشد.»

همان گونه که ملاحظه شد بند یک ماده ده این کنوانسیون به عناصر آزادی بیان اشاره دارد. یعنی به آزادی عقیده و نیز آزادی اطلاعات که تشکیل شده از آزادی پخش، آزادی دریافت و آزادی جست و جو. گرچه در مورد آزادی جست و جو این بند سکوت اختیار کرده است اما حقوقدانان معتقدند که، به طور ضمنی این آزادی پیش بینی شده است.

در بند دوم ماده ده این کنوانسیون آورده شده است که آزادی توأم با مسئولیت ها و وظایفی است. بنابراین قانونگذار هر کشور می تواند محدودیت هایی برای آزادی بیان در نظر بگیرد. که در جامعه دموکراتیک به منظور دفاع از ارزش هایی همچون امنیت ملی، نظم عمومی، حمایت از بهداشت و اخلاق، حمایت از حیثیت و حقوق دیگران، تضمین اقتدار و

<sup>۱</sup> - 3. Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms

بی طرفی قوه قضائیه و غیره ضروری به نظر می رسند. در حقیقت این محدودیت ها که باید مطابق با نظم عمومی و هنجارهای هر جامعه باشد به نوعی نظریه یی عرضی رسالت مطبوعات را مطرح می کند که رسالت مطبوعات در هر جامعه ای با توجه به ارزش ها و هنجارهای موجود در آن باید تعریف شود.

### ب) اعلامیه ی حقوق بشر اسلامی<sup>۱</sup>

ماده ۲۲ اعلامیه ی مزبور اصل آزادی بیان را با کلیه طرق ممکن مشروط به این که مغایر با اصول شرعی نباشد پذیرفته است:

«الف. هر انسانی حق دارد نظر خود را به هر شکلی، که مغایر با اصول شرعی نباشد، آزادانه بیان دارد.

ب. هر انسانی حق دارد برای خیر و نهی از منکر بر طبق ضوابط شریعت اسلامی، دعوت کند.

ج. تبلیغات یک ضرورت حیاتی برای جامعه است و سوء استفاده و سوء استعمال آن و حمله به مقدسات و کرامت انبیاء یا به کارگیری هر چیزی که منجر به ایجاد اختلال در ارزش ها، یا متشتت شدن جامعه یا زیان یا متلاشی شدن اعتقاد شود، ممنوع است.

د. برانگیختن احساسات قومی یا مذهبی و یا هر چیزی که منجر به برانگیختن هر نوع حس تبعیض نژادی گردد، جایز نیست.»

این ماده حق انسان ها برای دعوت به خیر و نیکی و نهی از منکر و گناه را با رعایت شرایط شریعت اسلامی در راستای اصل آزادی بیان پیش بینی کرده است. طبق بند آخر این ماده برانگیختن احساسات قومی یا مذهبی و یا هر چیزی که منجر به برانگیختن هر نوع حس تبعیض نژادی گردد، جایز نیست. بنابراین طبق این سند منطقه ای اصل آزادی بیان مطلق نیست و محدودیت هایی مطابق با شرع برای آن در نظر گرفته شده است تا آزادی بیان و به تبع آن آزادی مطبوعات در راستای آزادی های هدایت شده محدود شوند که منظور همان رسالت عرضی مطبوعات می باشد.

<sup>۱</sup> - Islamic Declaration of Human Rights



### ۳. حقوق ایران:

در قوانین ایران برای اولین بار در سال ۱۳۶۴ در رسانه ای ترین قانون کشور فصلی با عنوان رسالت مطبوعات در نظر گرفته شد. در سال ۱۳۶۴ برای اولین بار بود که فصلی جداگانه با عنوان رسالت مطبوعات در قانون مطبوعات قرار گرفت. قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴ اولین قانون مطبوعات پس از لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۲۰ مرداد ۱۳۵۸، بعد از انقلاب است. در حقیقت قرار دادن رسالت مطبوعات در قانون ایران یکی از جلوه های بارز تاثیر انقلاب اسلامی بر مطبوعات بود.

در جامعه ی ایران پس از انقلاب برای مطبوعات ارزشی در نظر گرفته شده است که مطبوعات باید بدان برسند. در یک جامعه ی دینی مطبوعات فقط وظیفه ندارند که اوقات فراغت مردم را پر کنند؛ بلکه مطبوعات نقش آگاهی دهی، اطلاع رسانی و فرهنگ سازی مطابق با ارزش های جامعه را بر عهده دارند. فصل دوم قانون مطبوعات، در ماده ی ۲، مصوب ۱۳۶۴ مواردی را به عنوان رسالت مطبوعات بر شمرده است. این مورد خود نشان از آن دارد که مقنن بر آن تصور بوده که مطبوعات در جامعه ی ایران دارای ارزش هستند و نظریه ی ذاتی بودن رسالت مطبوعات را مد نظر نداشته است. بلکه از نظریه ی عارضی بودن رسالت مطبوعات پیروی کرده است و مواردی را با توجه به ارزش ها و هنجارهای یک جامعه ی دینی به عنوان رسالت مطبوعات در یک قانون عادی پیش بینی کرده است. موارد پیش بینی شده در ماده ۲ قانون مطبوعات در راستای همان آزادی های هدایت شده اصل ۲۴ قانون اساسی می باشد. جایگاه رسالت مطبوعات در قوانین ایران و تبیین و بررسی موارد پیش بینی شده در قانون مطبوعات از مواردی است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

### رسالت مطبوعات در قوانین ایران:

#### الف) جایگاه رسالت مطبوعات در قانون:

قوانین اساسی دنیا با دو برداشت متفاوت به مسئله ی مطبوعات پرداخته اند. بعضی همانند قانون اساسی آمریکا فقط به ذکر و ضرورت تامین آزادی مطبوعات پرداخته اند و محدودیتی در قانون اساسی برای مطبوعات پیش بینی نکرده اند. همچنین نه تنها محدودیت بلکه رسالتی هم برای مطبوعات در نظر نگرفته اند.

موارد مطرح شده در اصلاحیه ی اول قانون اساسی آمریکا در رابطه با اصل آزادی بیان است. یکی از عناصر آزادی بیان هم آزادی مطبوعات می باشد که اصل هفتم از اصلاحیه اول قانون اساسی آمریکا بیان می دارد: «کنگره در خصوص ایجاد مذهب، یا منع پیروی آزادانه از آن، یا محدود ساختن آزادی بیان یا مطبوعات یا حق مردم برای برپایی اجتماعات آرام و دادخواهی از حکومت برای جبران خسارت، هیچ قانونی وضع نمی کند.»<sup>۱</sup> همان گونه که ملاحظه می شود از این ماده این گونه استنباط می شود که از نظر قانون اساسی هیچ محدودیتی برای اصل آزادی مطبوعات و ارتباطات نباید وضع شود. تعداد اندکی از قوانین اساسی دنیا از این شیوه پیروی کرده اند و برای مطبوعاتشان محدودیتی در نظر نگرفته اند. در نظر گرفتن محدودیت برای مطبوعات قطعاً برای آن است که با توجه به این محدودیت ها، مطبوعات به یک هدفی برسند. یعنی هدف از قرار دادن محدودیت ها برای مطبوعات در قوانین اساسی ضمن بیان اصل آزادی مطبوعات، برای آن است که مطبوعات دارای ارزش و هدفی هستند که باید به آن برسند. کشورهایی که در قانون اساسی ایشان برای مطبوعات محدودیتی در نظر نگرفته اند؛ در حقیقت فلسفه ی وجودی مطبوعات ایشان را آزادی مطلق مطبوعات می دانند.

اما در کنار این دسته از کشورها، گروهی از کشورها از قانون کشور فرانسه پیروی کردند و در کنار ضرورت آزادی مطبوعات و به رسمیت شناختن آزادی بیان و مطبوعات، محدودیت هایی را هم برای مطبوعات آنها در قانون اساسی پیش بینی کردند. برای اولین بار اعلامیه ی حقوق بشر فرانسه بود که محدودیت هایی را برای مطبوعات پیش بینی کرد. به موجب ماده ۱۱ اعلامیه ی حقوق بشر برای شهروندان فرانسه، از طرفی آزادی انتقال افکار و عقاید گران بها ترین حقوق اساسی شناخته شده است و بر همین اساس گفته شد که بنابراین حق، هر فردی می تواند سخن بگوید، بنویسد و چاپ کند، مگر در مواردی که قانون محدود کرده است.

به این ترتیب در اعلامیه ی حقوق بشر برای شهروندان فرانسه محدودیت آزادی را در نظر گرفتند. بیشتر کشورهای دنیا هم از این شیوه پیروی کردند و ضمن به رسمیت شناختن آزادی بیان و آزادی مطبوعات در قانون اساسی، برای مطبوعات در قانون اساسی محدودیت

---

<sup>۱</sup> - ( Amendments of the constitution. Article 1. Making no law on the religion, freedom of speech, press and assemblies by congress.)

هایی را پیش بینی کرده اند. در نظر گرفتن محدودیت برای مطبوعات همان گونه که در اسناد بین المللی و منطقه ای هم به درستی بیان شده است نشان از آن می دهد که فلسفه ای که برای مطبوعات در نظر می گیرند آزادی مطبوعات برای حفظ نظم عمومی جامعه می باشد. این تئوری در دل خود رسالت مطبوعات را به همراه دارد. در نتیجه قرار دادن محدودیت برای مطبوعات نشان از آن دارد که این دسته از کشورها برای مطبوعاتشان هر کدام با توجه به فضای حاکم بر جامعه اشان و هنجارها و ارزش هایی که در آن جامعه حاکم است، رسالت و نقشی را در نظر دارند که مطبوعات باید بدان برسد.

مثلا قانون اساسی ایتالیا<sup>۱</sup> در اصل ۲۱ خود بیان می دارد: «هر فرد حق دارد عقاید خود را به صورت گفتار، نوشتار و یا هر وسیله ی نشر دیگری ابراز کند. مطبوعات نیازی به کسب اجازه نداشته و نباید سانسور گردند. مطبوعات را نمی توان توقیف کرد مگر به موجب حکم مستدل صادره از سوی مقامات قضایی در موارد ارتکاب جرم های مشهودی که قانون مطبوعات به صراحت پیش بینی کرده است و یا در صورت نقض قواعد قانونی که قانون مطبوعات جهت تعیین مرتکبین جرم مقرر نموده است... نشریات چاپی، نمایش ها و دیگر راه های نمایش و بیان که با اخلاق حسنه مغایر باشند، ممنوع هستند. قانون اقدامات مناسب برای پیشگیری و جلوگیری از تخلفات را تعیین خواهد کرد.»

همچنین ماده ۲۹ قانون اساسی فدراسیون روسیه بیان می دارد: «۱. برای همه حق آزادی عقیده و بیان تضمین شده است. ۲. تبلیغات و تهییج برای ایجاد نفرت و دشمنی اجتماعی، نژادی، ملی یا زبانی ممنوع است. ۳. هیچ کس را نمی توان به ابراز نظریات و اعتقاداتش مجبور کرد یا ناچار از رد آن کرد. ۴. همه حق آزادی بررسی، دریافت، انتقال، تولید و انتشار اطلاعات با هر وسیله قانونی را دارند. فهرست کامل اطلاعات که اسرار دولتی را تشکیل می دهد به وسیله قانون فدرال مشخص می گردد. ۵. آزادی رسانه های گروهی تضمین می گردد و سانسور ممنوع است.»

همان گونه که ملاحظه می شود در قانون اساسی روسیه محدودیت های اصل آزادی اطلاعات و ارتباطات، علاوه بر ارائه فهرست کامل اطلاعات مربوط به اسرار دولتی، تبلیغات برای ایجاد نفرت و دشمنی اجتماعی، نژادی، ملی، مذهبی و یا زبانی است.

<sup>۱</sup> - Constitution of Italy

همان گونه که محدودیت های مطبوعات در قانون اساسی ذکر می شود، رسالت مطبوعات هم باید در قانون اساسی ذکر شود. در حقیقت جایگاه رسالت مطبوعات در قانون اساسی می باشد؛ زیرا وقتی برای مطبوعات محدودیتی در قانون اساسی در نظر گرفته می شود باید هدف آن محدودیت هم در خود قانون اساسی ذکر شود. یعنی ارزش، هدف و رسالت مطبوعات باید در قانون اساسی آورده شود تا از ضمانت اجرای کافی برخوردار باشد. بنابراین وقتی ضمن بیان آزادی مطبوعات در قانون اساسی، محدودیت هایی برای مطبوعات در قانون اساسی در جهت آزادی های هدایت شده می آوریم؛ باید رسالت مطبوعات را هم در خود قانون اساسی بیاوریم. اکثر کشورهای دنیا که برای مطبوعاتشان در قانون رسالتی در نظر می گیرند، جایگاه رسالت مطبوعات را در قانون اساسی دانسته اند و رسالت مطبوعات را در قانون اساسی ذکر کرده اند. کشور ایران از این شیوه پیروی نکرده است و مواردی را با عنوان رسالت مطبوعات در یک قانون عادی آورده است. در ادامه رسالت مطبوعات در قوانین ایران را بررسی می کنیم. در ابتدا به اصولی از قانون اساسی که می تواند در بر دارنده ی رسالت مطبوعات باشند می پردازیم سپس رسالت مطبوعات را در قوانین عادی بررسی می کنیم و در نهایت به مطالعه ی موردی قانون مطبوعات می پردازیم.

### **ب) رسالت مطبوعات در قوانین ایران:**

در این بخش رسالت مطبوعات را در قوانین ایران بررسی خواهیم کرد. در رابطه با رسالت مطبوعات موضع گیری ها متفاوت می باشد. عده ای بر این باورند که رسالت مطبوعات ساخته و پرداخته ی ارزش ها و هنجارهای جامعه می باشد و رسالت مطبوعات رسالت اهل جامعه می باشد و نیازی نیست که در قانون عنوان خاصی برای رسالت مطبوعات در نظر گرفته شود. در حقیقت این گروه بر این باورند که رسالت مطبوعات آن چیزی است که در جامعه می باشد و مطبوعات باید در راستای آن حرکت کنند. این گروه معتقدند که وارد کردن رسالت مطبوعات در قانون باعث محدود کردن رسالت مطبوعات خواهد شد و ممکن است همه ی هنجارها و ارزش های موجود در جامعه به خوبی در قانون منعکس نشوند. در مقابل گروهی دیگر بر این باورند که برای آن که بتوان برای رسالت مطبوعات ضمانت اجرای مناسب در نظر گرفت، باید عنوان جداگانه ای با این عنوان در قانون برای آن

در نظر گرفت. این گروه هم مثل گروه اول بر این باور هستند که رسالت مطبوعات ناشی از ارزش ها و هنجارهای موجود در جامعه می باشد، ولی بر خلاف گروه اول معتقدند که این ارزش ها باید در قانون منعکس شوند. قانون گذار ایران از شیوه ی دوم پیروی کرده است و فصل خاصی از قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴ را به رسالت مطبوعات اختصاص داده است. در این بخش ابتدا به اصولی از قانون اساسی که به نوعی می توانند تداعی کننده رسالت مطبوعات باشند پرداخته می شود و سپس به رسالت مطبوعات در قوانین عادی می پردازیم.

### ۱. قانون اساسی:

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان بالاترین قانون که در راس تمام قوانین می باشد، در رابطه با مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی به صراحت و با بیان های مختلف بر حاکمیت ارزش ها بر مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی تاکید کرده است. برای نمونه تعدادی از این موارد عبارتند از:

• **مقدمه قانون اساسی:** در مقدمه قانون اساسی که عهده دار بیان فکری قانون اساسی و در بر دارنده ی هدف مقنن از وضع قانون اساسی می باشد، آمده است که: «وسایل ارتباط جمعی (رادیو - تلویزیون) بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه از برخورد سالم اندیشه های متفاوت بهره جوید و از اشاعه و ترویج خصلت های تخریبی و ضد اسلامی جدا پرهیز کند.»

اولا ذکر (رادیو - تلویزیون) به طور خاص پس از واژه ی وسایل ارتباط جمعی به معنای تاکید بر این نوع از وسیله ی ارتباط جمعی می باشد نه این منظور از وسایل ارتباط جمعی فقط رادیو تلویزیون باشد. یعنی هدف مقنن از ذکر رادیو و تلویزیون محدود کردن وسایل ارتباط جمعی به رادیو و تلویزیون نبوده است. پس ادامه ی جمله شامل تمام وسایل ارتباط جمعی از جمله مطبوعات هم می شود.

ثانیا مقدمه ی قانون اساسی رسالت گرا بودن مطبوعات را هم به صورت ایجابی و هم به صورت سلبی مدنظر قرار داده است. در مقدمه ی قانون اساسی برای وسایل ارتباط جمعی از جمله مطبوعات یک سری رسالت هایی در جهت تحقق ارزش های انقلاب اسلامی مدنظر قرار داده شده است.

• **بند دوم اصل ۳ قانون اساسی:** دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد: «۲- بالا برن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی و وسایل دیگر».

اولا تعهد دولت در این اصل تعهد به وسیله است. تعهد به وسیله هم تعهد بالفعل است. یعنی شهروندان به صورت بالفعل می توانند این کارها را انجام دهند، لیکن اجرای این تعهد مقید به اقدامات دولت می باشد. ثانيا منظور از دولت در اینجا دولت به معنای کل حاکمیت (state) است. ثالثا در این جا یک نقش اثباتی برای مطبوعات در نظر گرفته شده است.

بر اساس بند دو اصل ۳ قانون اساسی دولت وظیفه دارد تا تمام امکاناتش را برای بالا بردن سطح آگاهی های عمومی به وسیله مطبوعات به کار برد. در این جا نقشی که برای مطبوعات در نظر گرفته شده است آگاهی های عمومی می باشد. اما در رابطه با واژه ی (استفاده صحیح) اختلاف نظر می باشد. بر خلاف نظر عده ای که معتقدند استفاده ی صحیح به معنای رسالت مطبوعات می باشد بنده عقیده دارم که استفاده ی صحیح به معنای حرکت در راستای اصول کلی مطرح شده در قانون اساسی می باشد. پس بنابر این بند اصل ۳ قانون اساسی یکی از رسالت های مطبوعات بالا بردن سطح آگاهی های عمومی می باشد.

• **بند هشت اصل ۳ قانون اساسی:** این بند روی «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش» تاکید می کند. در این مورد هم مثل مورد قبل تعهد دولت تعهد به وسیله است و همچنین منظور از دولت کل حاکمیت می باشد. در این جا نقش مطبوعات به طور غیر مستقیم به صورت اثباتی مطرح شده است. مردم زمانی می توانند در تعیین سرنوشت خویش مشارکت داشته باشند که آگاهی داشته باشند و این مهم هم تحقق پیدا نمی کند مگر با در نظر گرفتن رسالت آگاهی بخشی برای مطبوعات. دولت وظیفه دارد که عامه مردم را در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش مشارکت دهد، که قاعداً مشارکت مردم در این امور با آگاهی باید صورت پذیرد. پس در این بند به طور غیر مستقیم رسالت آگاهی دهی مطبوعات برای تعیین سرنوشت به وسیله مردم مطرح شده است.

• **اصل ۸ قانون اساسی:** براساس این اصل «در جمهوری اسلامی ایران، دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای است همگانی و متقابل بر عهده ی مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می کنند.»

در قرآن کریم هم به این فریضه ی مهم اشاره شده است: «ولتكن منكم امةٌ يدعون الى الخير و يامرون بالمعروف و ينهون عن المنكر و اولئك هم المفلحون» (آل عمران: ۲۵۱)

امروزه بی تردید ابزار این فریضه ی مهم را می توان رسانه ها به خصوص مطبوعات دانست. این اصل قانون اساسی در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر می باشد. این اصل هم همانند دو اصل سابق که مطرح شد به طور غیر مستقیم هم به صورت اثباتی و هم به صورت سلبی به رسالت مطبوعات می پردازد. لازمه ی پیاده کردن این امر مهم آگاهی می باشد. تا زمانی که مردم و دولت آگاهی نداشته باشند نمی توانند این وظیفه ی همگانی را به خوبی پیاده کنند و وظیفه ی این آگاهی دهی هم بر عهده ی مطبوعات می باشد. در حقیقت در نظر گرفتن رسالت مطبوعات منجر به دعوت به خیر و نهی از منکر از سوی دولت و مردم می باشد. لذا این اصل قانون اساسی هم به طور غیرمستقیم رسالت آگاهی دهی را برای مطبوعات در نظر می گیرد.

• **اصل ۲۴ قانون اساسی:** براساس این اصل «نشریات و مطالب در بیان مطالب آزادند مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می کند.»

اولا این اصل مهم ترین اصل در زمینه ی آزادی بیان و آزادی مطبوعات در قانون اساسی می باشد. ثانيا ذکر کردن یک حق در قانون اساسی به معنای تضمین آن ذکر کردن آن در قانون عادی به معنای حمایت از آن می باشد. یعنی تضمین آزادی مطبوعات در اصل ۲۴ قانون اساسی است و حمایت از آن توسط قانون مطبوعات انجام می شود. ثالثا آزادی مطبوعاتی که در اصل ۲۴ قانون اساسی مطرح شده است آزادی مطلق و با محدودیت کم نیست. نوعی از آزادی می باشد که ما اصطلاحا به آن آزادی هدایت شده می گوئیم. آزادی هدایت شده یعنی مطبوعات باید در یک حوزه ی خاصی حرکت کنند. از همین جا است که رسالت مطبوعات مطرح می شود. بر اساس آزادی هدایت شده مطبوعات یک رسالت و هدفی دارند که باید بدان برسند. رسالت مطبوعات در بردارنده ی آن است که مطبوعات

علاوه بر محدودیت هایی که بر آن ها حاکم است باید حاوی یک پیامی هم باشند. اصل ۲۴ قانون اساسی علاوه بر آن که به آزادی مطبوعات و محدودیت های آن اشاره میکند، با تفسیر آن می توان به رسالت مطبوعات هم رسید.

## ۲. قانون عادی:

همان گونه که ذکر شد وقتی یک آزادی یا یک حقی در قانون اساسی آورده می شود به معنای تضمین آن می باشد. قانون اساسی هم آزادی مطبوعات را در اصل ۲۴ خودش تضمین کرده است. لیکن در ذیل اصل ۲۴ آمده است: «تفصیل آن را قانون معین می کند». این جمله نشان دهنده ی صلاحیت تکلیفی قانونگذار می باشد. قاعدتا تفصیل استثنائات را قانون عادی باید تعیین کند؛ یعنی مبای اسلام و حقوق عمومی. اما با ملاحظه ی مشروح مذاکرات مجلس خبرگان در رابطه با تصویب اصل ۲۴ به این نتیجه می رسیم که تفصیل آزادی مطبوعات و نشریات را قانون عادی باید تعیین کند. لذا حمایت از آزادی مطبوعات باید در قانون عادی باشد. قوانینی که در راستای اصل آزادی هدایت شده برای رسالت مطبوعات به تصویب رسیده اند عبارتند از:

### • ۱. سیاست های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حوزه ی مطبوعات (مصوب جلسه ۴۸۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب ۱۳۸۰/۴/۱۲)

هرچند این مصوبه طبق رای شماره ۱۱۷/۸۱ مصوب ۱۳۸۱/۴/۲ توسط دیوان عدالت اداری ابطال شده است و قابل استناد نمی باشد اما در بردارنده ی رسالت های محدودی از مطبوعات بود. لذا به همین خاطر به طور مختصر به آن می پردازیم.

این مصوبه به تحلیل مفاهیم اصل ۲۴ پرداخته است لیکن در مقدمه ی خود، نقش و هدف و رسالت مطبوعات را ارتقای آگاهی های عمومی دانسته است. همچنین در ادامه، ارتقای کمی و کیفی مطبوعات را به منظور کمک به رشد و اصلاح فرهنگ عمومی دانسته است. یعنی تبیین مفاد اصل ۲۴ قانون اساسی را بدین منظور در نظر داشته است. اندکی بعد نقش آگاهی دهی و فرهنگ سازی مطبوعات را بیشتر بررسی می کنیم. اما همان گونه که مطرح شد این مصوبه هم اکنون توسط دیوان عدالت اداری ابطال شده است و قابل استناد نمی باشد.



## • ۲. قانون مطبوعات (مصوب اسفند ۱۳۶۴):

یکی از جلوه های آزادی های هدایت شده و جهت دار مطبوعات در اصل ۲۴ قانون اساسی رسالت مطبوعات می باشد. قانون مطبوعات تنها قانونی است که به حمایت از آزادی تضمین شده از مطبوعات در قانون اساسی پرداخته است. قانون مطبوعات به عنوان رسانه ای ترین قانون کشور تنها قانون است که عنوان خاصی را به رسالت مطبوعات اختصاص است. فصل دوم قانون مطبوعات مواردی را به عنوان رسالت مطبوعات مطرح کرده است. فصل ۲ قانون مطبوعات فقط در بر دارنده ی یک ماده می باشد. در ماده ۲ قانون مطبوعات پنج مورد به اضافه ی یک تبصره به عنوان رسالت مطبوعات آورده شده است. در ادامه به تبیین و تحلیل ماده ۲ و بررسی کلی موارد مطرح شده در ماده ۲ خواهیم پرداخت.

## رسالت مطبوعات در قانون مطبوعات ایران:

همان گونه که قبلا مطرح شد، برای اولین بار در سال ۱۳۶۴ در قانون مطبوعات ایران فصل جداگانه ای به عنوان رسالت مطبوعات در نظر گرفته شد. اصل ۲۴ قانون اساسی بادر نظر گرفتن نوع خاصی از آزادی به نام آزادی هدایت شده، آزادی مطبوعات را در جهت خاصی قرار داده است که یکی از جلوه های این نوع آزادی رسالت مطبوعات می باشد. در نظر گرفتن رسالت برای مطبوعات و قرار دادن آن در قانون یکی از تاثیرات انقلاب اسلامی می باشد. در حقیقت یکی از تاثیرات انقلاب اسلامی در حوزه ی فرهنگ و مطبوعات، جهت دادن مطبوعات می باشد. در قوانین مطبوعات قبل از انقلاب فصل جداگانه و یا ماده ی خاص برای رسالت مطبوعات در نظر گرفته نشده بود و هدفی برای مطبوعات قائل نبودند. لیکن در یک جامعه ی اسلامی مطبوعات باید در راستای اهداف و ارزش های اسلامی حرکت کنند. همان گونه که قبلا هم مطرح گردید جایگاه رسالت مطبوعات در قانون اساسی می باشد، اما در کشور ما با توجه به آن که در راستای آزادی های هدایت شده مقنن از نظریه ی عارضی بودن رسالت مطبوعات و در نظر گرفتن نقش و رسالت مطبوعات در قانون پیروی کرده است اما، رسالت مطبوعات را در رسانه ای ترین قانون کشور یعنی قانون مطبوعات آورده است. در این مقاله هدف آن است تا موارد مطرح شده در قانون

مطبوعات را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و در نهایت نگاهی کلی به موارد مطرح شده داشته باشیم.

### الف) تجزیه و تحلیل ماده ۲ قانون مطبوعات:

بر اساس ماده ۲ قانون مذکور، رسالتی که مطبوعات در نظام جمهوری اسلامی بر عهده دارد، عبارت است از:

الف- روشن ساختن افکار عمومی و بالا بردن سطح معلومات و دانش مردم در یک یا چند زمینه ی مورد اشاره در ماده یک.

این مورد به طور خلاصه در بر دارنده ی آموزش و ارتقای سطح دانش عمومی می باشد. در حقیقت در بند (الف) رسالت مطبوعات را بالا بردن معلومات می داند نه آگاهی بخشی. بین معلومات و آگاهی بخشی تفاوت وجود دارد. بالا بردن معلومات یعنی به طور تخصصی در یکی از زمینه های مورد اشاره در ماده یک فعالیت کردن. بر اساس ماده یک قانون مطبوعات، نشریات موظفند در یک یا چند زمینه از «زمینه های گوناگون خبری، انتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، کشاورزی، فرهنگی، دینی، علمی، فنی، نظامی، هنری، ورزشی و نظایر این ها» فعالیت کنند. بنابراین نخستین رسالت مطبوعات بالا بردن معلومات و دانش عمومی بر یک یا چند مورد از این زمینه ها می باشد. همان گونه که مطرح شد، این مورد به بالا بردن معلومات اشاره دارد و معلومات هم یعنی در یکی از این زمینه ها به طور تخصصی فعالیت کردن نه صرفا آگاهی بخشی. یعنی اولین رسالت مطبوعات بالا بردن سطح علم و آگاهی مردم در یکی از این زمینه ها می باشد. همچنین روشن ساختن افکار عمومی که در ابتدای بند به عنوان رسالت مطبوعات مطرح گردیده است، به وسیله ی درج اخبار حقیقی که به وسیله آن افکار عمومی روشن شوند میسر می باشد، یعنی انتقال حقایق موجود در جامعه. اما باید توجه داشت که این انتقال حقایق به نظم عمومی جامعه خدشه ای وارد نکند.

ب- پیشبرد اهدافی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان شده است. دلیل ذکر این بند به عنوان دومین رسالت مطبوعات را می توان اهمیت و جایگاه والای قانون اساسی دانست. چنانچه اهل مطبوعات با قانون اساسی آشنایی نداشته باشند، نمی توانند

از حقوق حرفه ای خود و حقوق ملتشان دفاع کنند. اما در این بند فقط صرف آشنایی با قانون اساسی را به عنوان رسالت مطبوعات ندانسته، بلکه پیشبرد اهداف قانون اساسی را مد نظر داشته است. لازمه ی پیشبرد اهداف قانون اساسی هم آشنایی با قانون اساسی می باشد. لذا مطبوعات باید در راستای اهداف قانون اساسی حرکت کنند. اما اهداف قانون اساسی چیست؟ قانون اساسی دارای اهداف زیادی می باشد، لیکن مهم ترین کارکرد و هدفی که برای قانون اساسی در نظر گرفته اند دو مورد است: ۱. تضمین حقوق و آزادی های مردم و ۲. تنظیم قدرت بین نهادهای حکومتی. به نظر می رسد رسالت مطبوعات بیشتر در راستای پیشبرد هدف اول قانون اساسی باشد. پیشبرد تضمین حقوق و آزادی های مردم به وسیله مطبوعات خود دارای حیطه وسیع و بی پایانی می باشد. اما در بین اصول قانون اساسی به نظر می رسد اصل سوم قانون اساسی به طور خلاصه تا حدودی توانسته است اهداف قانون اساسی را بیان کند.

پس بر اساس بند دو قانون مطبوعات یکی از رسالت های مطبوعات پیشبرد اهداف قانون اساسی می باشد. اهداف قانون اساسی بسیار وسیع و فراوان بوده اند و این خود به نوعی با تبصره ی ماده ۲ قانون مطبوعات که رسالت مطبوعات را محدود کرده است، در تعارض می باشد. اصل سوم قانون اساسی به طور گذرا فهرستی از وظایف دولت را بر می شمارد. با دقت در موارد این اصل به این نتیجه می رسیم که حوزه ی کار مطبوعات باید چه قدر وسیع باشد. لذا با در نظر گرفتن این رسالت برای مطبوعات در حقیقت حوزه ی رسالت مطبوعات را وسیع در نظر گرفته ایم که این خود می تواند با مفاد دیگر ماده ۲ و تبصره ی این ماده در تعارض باشد.

ج- تلاش برای نفی مرزبندی کاذب و تفرقه انگیز و قرار ندادن اقشار مختلف جامعه در مقابل یک دیگر، مانند دسته بندی مردم بر اساس نژاد، زبان، رسوم، سنن محلی و ... این بند به طور خلاصه در بردارنده حفظ وحدت ملی می باشد. بر اساس این بند سومین رسالت مطبوعات تلاش برای حفظ وحدت ملی می باشد. وحدت ملی آن قدر وسیع است که در صورت سهل انگاری در حفظ آن امنیت ملی به خطر افتاده و حتی ممکن است به از هم پاشیدن استقلال یک کشور منجر شود.

امروزه امنیت ملی به عنوان یکی از عمده ترین اولویت های فراروی دولت ملت ها مطرح بوده و بالابردن ضریب آن از طریق شناسایی و رفع تهدید های موجود یکی از دغدغه های نخبگان و حاکمان سیاسی در جوامع مختلف به شمار می رود. (خشروزاده، ۱۳۸۲: ۱۹۴-۲۰۹)

برهم نخوردن امنیت ملی هم از طریق حفظ وحدت ملی می باشد. یکی از شعارهای انقلاب اسلامی انسجام ملی بود. وحدت قشرهای مختلف یک ملت رمز سربلندی آن ملت است. لذا یکی از رسالت های مهم مطبوعات تلاش برای حفظ وحدت ملی می باشد. این امر را مطبوعات با انتقال اخبار صحیح و بدون توهین به قشر های مختلف به انجام می رسانند. چنانچه مطبوعات بدون در نظر گرفتن عقاید و تعصبات قوم ها و قشرهای مختلف به ارائه ی اطلاعاتشان پردازند موجب برهم خوردن وحدت ملی خواهد شد. ملت عده ای از مردم نیستند بلکه مجموعه ای از مردم هستند که با یک پیوند و ارتباط خاص به همدیگر متصل هستند. لذا برای حفظ این وحدت مطبوعات باید در ارائه اخبار و اطلاعاتشان تمام نیازها و خصوصیات اقشار و گروه های جامعه را در نظر بگیرند.

این رسالت در نظر گرفته شده در بند ج برای مطبوعات، هم ایجابی و هم سلبی می باشد. تلاش برای نفی مرزبندی های کاذب و تفرقه انگیز رسالت ایجابی مطبوعات و قرار ندادن اقشار مختلف جامعه در مقابل یک دیگر رسالت سلبی مطبوعات در این حوزه می باشد. همچنین در انتهای بند با گذاشتن «و...» تاکید کرده است که این موارد تمثیلی هستند نه حصری، لذا نفی هرگونه تفرقه انگیزی دیگر نظیر ایجاد اختلافات مذهبی و قومی مشمول همین بند می شوند.

د- مبارزه با مظاهر فرهنگ استعماری (اسراف، تبذیر، لغو، تجمل پرستی، اشاعه ی فحشا و...) و ترویج و تبلیغ فرهنگ اصیل اسلامی و گسترش فضایل اخلاقی.

این مورد در بر دارنده ی مفهوم تلاش فرهنگی و اخلاقی می باشد. فرهنگ و امور فرهنگی زیربنای تمام فعالیت های جوامع بشری محسوب می شود و فعالیت های جوامع بشری برخاسته از فرهنگ خاص آن هاست. زیرا، در پرتو رشد امور فرهنگی، سایر فعالیت ها در پرتو آن، مسیر تکاملی خود را طی می کنند. بدین سان هرچه فعالیت های فرهنگی جامعه ریشه دارتر و اصولی تر باشد، رشد سایر جوانب هم قاعده پذیرتر و چشمگیرتر

خواهد بود. (انصاری، ۱۳۸۱: ۲۶۷) لذا بنابر این نقش پر اهمیت و غیر قابل انکار است که یکی از مهم ترین رسالت های مطبوعات رشد فرهنگ می باشد. این رسالت مطبوعات در قانون اساسی هم بدان اشاره شده است. بند اول اصل ۳ قانون اساسی که بر اساس آن دولت جمهوری اسلامی ایران موظف شده است تا همه امکانات خود را برای «ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی» به کار برد.

همچنین در مقدمه ی قانون اساسی هم آمده است: به همین ترتیب رسانه (مطبوعات و به طور کلی وسایل ارتباط جمعی) هم «بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه از برخورد سالم اندیشه های متفاوت بهره جوید و از اشاعه و ترویج خصلت های تخریبی و ضد اسلامی جدا پرهیز کند.»

علاوه بر این اصل هشتم از اصول بین المللی اخلاق حرفه ای در روزنامه نگاری با عنوان احترام به ارزش های جهانی و تنوع فرهنگ ها اعلام می دارد: «یک روزنامه نگار واقعی در حالی که به شخصیت ویژه، ارزش و شان هر فرهنگ و همچنین به حق انتخاب و توسعه آزادانه نظام های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی به وسیله مردم، احترام می گذارد، مدافع ارزش های عام انسانی و بالاتر از همه، مدافع صلح، دموکراسی، حقوق بشر، پیشرفت اجتماعی و رهایی ملی است. به این ترتیب، روزنامه نگار به طرز فعال در تبدیل جامعه به جامعه ای دموکراتیک تر مشارکت می جوید و از طریق گفت و شنود به ایجاد فضایی آکنده از اعتماد در مناسبات بین المللی مساعدت می نماید تا صلح و عدالت، تشنج زدایی، خلع سلاح و توسعه ی ملی در سراسر جهان تحقق یابد. آگاهی روزنامه نگار از مقررات مربوطه مندرج در کنوانسیون ها، بیانیه ها و نامه های بین المللی جزء اخلاق حرفه ای به شمار می آید.»

واژه فرهنگ در لغت دارای معانی متعددی است. برهان قاطع واژه «فرهنگ» را چنین معنا می کند: «فرهنگ بر وزن و معنی فرهنگ است که علم و دانش و عقل و ادب و بزرگی و سنجیده باشد. شاخ درختی را نیز گویند که در زمین خوابانیده، خاک بر روی آن بریزند تا از جای دیگر سر برآورد.» (برهان، ۱۳۶۲، جلد ۳: ۱۴۸۱) از نظر اصلاحی برای فرهنگ

تعریف های متعددی شده است. اما آن چه که در بین تمام تعریف ها مشترک می باشد تشکیل هویت ملی و عناصری است که افراد از جامعه فرا می گیرند.

شایع ترین تعریفی که از فرهنگ ارائه شده است و مورد قبول غالب جامعه شناسان معاصر می باشد، تعریف «بروس کوئن»<sup>۱</sup> جامعه شناس معاصر، می باشد: «فرهنگ به شیوه های زندگی که افراد یک جامعه می آموزند، در آن مشارکت دارند و از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابد، اطلاق می شود.» ( 1376:631 Julius, Kolb )

در ماده دو قانون مطبوعات نقش فرهنگ را هم از نظر سلبی و هم از نظر ایجابی مطرح می کند. همچنین با آوردن «و...» در مصادیق مبارزه با فرهنگ استعماری، تأکیدی بر تمثیلی بودن این مصادیق دارد. بنابراین یکی از مصادیق مهم رسالت مطبوعات تلاش فرهنگی می باشد. با توجه به نقش پر اهمیت مطبوعات که به عنوان چشم و گوش مردم به حساب می آیند، مطبوعات می توانند تأثیری شگرف در توسعه ی فرهنگ اصیل و مبارزه با فرهنگ استعماری و همچنین رشد فضایل اخلاقی داشته باشند. د. حفظ و تحکیم سیاست نه شرقی نه غربی.

این بند در بر دارنده استقلال سیاسی و امنیت کشور می باشد. برخلاف بند (ج) که امنیت ملی را به دنبال داشت در این بند رسالت مطبوعات، حفظ امنیت و استقلال کشور را در بر دارد.

اصل ۲ و ۱۵۲ قانون اساسی به این پایه مهم و غیر قابل انکار نظام جمهوری اسلامی ایران تأکید دارند. اما این رسالت را مطبوعات تنها با آگاهی دهی مردم می توانند به سر انجام برسانند. اگر مطبوعات رسالت حفظ استقلال سیاسی را دارند به این مهم نمی توانند دست یابند، مگر آن که به مردم در رابطه با اوضاع کشورشان اطلاعات، اخبار و تحلیل های سیاسی درست ارائه دهند تا مردم بتوانند طبق بند هشتم از اصل ۳ قانون اساسی در امور کشورشان مشارکت داشته باشند.

لذا این بند بر خلاف بند اول که بالا بردن معلومات را بیان کرده بود، بالا بردن آگاهی مردم را به طور غیر مستقیم در بر دارد. بند دوم از اصل ۳ قانون اساسی هم،

---

<sup>۱</sup> - Bruce Cohen

همان طور که قبلا ذکر شد به این مهم، بالابردن سطح آگاهی ها در تمام زمینه ها، اشاره دارد.

پس یکی از رسالت های مطبوعات بر اساس بند «د» ماده دو قانون مطبوعات آگاهی دهی برای حفظ و تحکیم استقلال کشور در تمام زمینه ها می باشد. لیکن این آگاهی دهی توسط مطبوعات باید به درستی صورت بگیرد. یعنی مطبوعات از ارائه تحلیل های غلط و مغرضانه که منافی شخصی را برای خود یا دیگران به دنبال دارد باید جدا پرهیز کنند.

یکی از رسالت هایی که بر اساس این بند می توان برای مطبوعات در نظر گرفتن آن است که مطبوعات باید مردم را سیاسی کنند. تا زمانی که مردم به درستی از اوضاع و احوال و اتفاقات سیاسی کشورشان آگاهی نداشته باشند نمی توانند در امور کشورشان مشارکت جویند و این مهم تحقق پیدا نمی کند مگر از طریق آگاهی بخشی صحیح توسط مطبوعات.

بنابراین بر اساس این بند حفظ استقلال کشور در تمام زمینه ها یکی از رسالت های مهم مطبوعات می باشد. این امر هم میسر نمی شود مگر از طریق آگاهی بخشی. آگاهی بخشی یعنی بالابردن اطلاعات عمومی نه این که مطبوعات در یک حوزه ی تخصصی کار کنند. یعنی یکی از رسالت های مطبوعات روشن کردن افکار عمومی می باشد. یکی از رسالت های مهمی که می توان از این بند برای مطبوعات استخراج کرد، سیاسی کردن مردم می باشد. اما در انجام این رسالت مطبوعات باید توجه داشته باشند که اخبار و تحلیل های صحیح ارائه دهند. بنابراین، رسالت مهم دیگری که می توان از این بند استخراج نمود، ارائه اخبار و اطلاعات صحیح و تحلیل های مطابق واقع و بدون غرض شخصی که نفع عمومی جامع را در بر داشته باشد، می باشد.

تبصره-هریک از مطبوعات باید حداقل در تحقق یکی از موارد فوق الذکر سهم و با موارد دیگر به هیچوجه در تضاد نبوده و در مسیر جمهوری اسلامی باشد.

رسالت مطبوعات علی القاعده نباید حالت سلبی داشته باشد و چنانچه حالت سلبی داشته باشد در قالب محدودیت می گنجد و در این صورت باید دارای ضمانت اجرا

باشد. قسمت آخر تبصره ی ماده ۲، این ماده را از حالت ایجابی خارج کرده است و نقش سلبی برای آن در نظر گرفته است.

با آوردن واژه حداقل در تبصره کل موارد مطرح شده در ماده دچار ابهام می شوند، زیرا موارد مطرح شده حوزه رسالت مطبوعات را بسیار وسیع در نظر گرفته است، در حالی که تبصره بدون هیچ منطقی رسالت مطبوعات را محدود کرده است. به علاوه در ذیل تبصره تاکید کرده است «با هیچ یک از موارد دیگر در تضاد نباشد.» این موارد سبب گردیده است که ماده ۲ قانون مطبوعات به ضد خودش تبدیل گردد.

به هر حال تبصره ی ماده ۲ در بر دارنده این نکته است که هدف از فعالیت همه ی مطبوعات تحقق تمامی موارد پنج گانه ی ماده ۲ باشد بدون آن که موثر بودن تک تک آن ها در هر یک از این موارد به طور جداگانه مورد نظر باشد. به عبارت ساده تر لازم نیست که مطبوعات برای تحقق همه ی اهداف ماده ۲ مشارکت داشته باشند بلکه کافی است که هر یک از مطبوعات در عملی کردن یکی از اهداف مشارکت داشته باشد و همچنین مانعی هم برای تحقق سایر اهداف فراهم نسازد.

بنابراین صرف این که فعالیت مطبوعات با موارد مطرح شده در ماده ۲ قانون مطبوعات تعارض نداشته باشند کافی نیست، بلکه باید در تحقق حداقل یکی از موارد مطرح شده فعالیت داشته باشند.

لذا تبصره ماده ۲ قانون مطبوعات در بر دارنده نکات زیر می باشد:  
اولا مطبوعات باید حداقل در یکی از اهداف و حوزه های پنج گانه در نظر گرفته شده به عنوان رسالت مطبوعات در ماده ۲ قانون مطبوعات فعالیت کنند.  
ثانیا فعالیت همه مطبوعات باید به گونه ای باشد که با موارد مطرح شده در ماده ۲ در تعارض نباشد.

ثالثا در ابتدای تبصره با آوردن واژه ی «حداقل» رسالت مطبوعات را محدود کرده است و از این جهت، تبصره با موارد پنج گانه مطرح شده در ماده ۲ در تعارض می باشد و همچنین موارد پنج گانه را ایجابی مطرح کرده است.

رابعا در انتهای ماده با آوردن عبارت «و با هیچ یک از موارد دیگر در تضاد نبوده.» موارد پنج گانه را سلبی مطرح کرده است.



بنابراین تبصره ی ماده ۲ دارای ابهام و ضدیتی واضح می باشد که باعث شده است که ماده ۲ قانون مطبوعات را به ضد خودش تبدیل کند.

### نگاه کلی به رسالت مطبوعات در قانون مطبوعات:

حال که موارد مطرح شده در ماده ۲ قانون مطبوعات را بررسی کردیم می توانیم به موارد مطرح شده نگاهی کلی داشته باشیم:

اولا موارد مطرح شده به عنوان رسالت مطبوعات خیلی کلی و آرمانی می باشند. (معتمد نژاد، ۱۳۸۹، جلد ۱: ۱۱۵). همچنین این موارد از جامعیت لازم برخوردار نمی باشند.

ثانیا جای حق نظارت همگانی از جمله، حق نظارت مردم بر حکومت از طریق دولت به وسیله مطبوعات در این موارد خالی می باشد. یکی از رسالت های مطبوعات حق نظارت همگانی مردم می باشد که موضوع اصل ۸ قانون اساسی می باشد ولی به این مورد در ماده ۲ اشاره ای نشده است. اصل ۸ قانون اساسی یکی از مبانی قانون اساسی است. لذا به نوعی می تواند مبنای حق دسترسی به اطلاعات هم باشد که در ماده ۲ قانون اساسی نقش آن خیلی کم رنگ و غیر مستقیم می باشد.

ثالثا در موارد پنج گانه مطرح شده در قانون مطبوعات نقش سرگرم سازی و تفریحی مطبوعات نادیده گرفته شده است. البته اگر این موارد در ماده ۱ قانون مطبوعات ذکر می شد می توانست شامل بند الف ماده ۲ قانون مطبوعات شود، ولی این موارد در ماده ۱ قانون مطبوعات هم ذکر نگردیده است. لذا ماده ۲ قانون مطبوعات نقش و رسالت سرگرم سازی و تفریحی برای مطبوعات در نظر نگرفته است.

رابعا همان گونه که قبلا اشاره گردید مطبوعات در حوزه میانی جای می گیرند. مطبوعات در کشور ما با این که در حوزه میانی قرار دارند ولی بیشتر به سمت حوزه عمومی می روند. در حوزه عمومی هم بر خلاف حوزه خصوصی فقط محدودیت نداریم. لذا در حوزه عمومی علاوه بر موارد سلبی موارد ایجابی هم داریم. رسالت مطبوعات هم از موارد ایجابی می باشد. همان گونه که مطرح گردید، تبصره ماده ۲ قانون مطبوعات، رسالت مطبوعات را از حالت ایجابی خارج کرده است و آن را به حالت سلبی در آورده است. بنابراین وقتی رسالت مطبوعات حالت سلبی می گیرد باید برای آن ضمانت اجراء در نظر

گرفت. در حالی که در قانون مطبوعات برای رسالت مطبوعات ضمانت اجرایی آورده نشده است. لذا از این بابت ماده ۲ قانون مطبوعات به ضد خودش تبدیل گردیده است و دارای این نقص می باشد.

بنابراین موارد مطرح شده در ماده ۲ قانون مطبوعات که جایگاه آن در قانون اساسی می باشد، خیلی کلی، آرمانی و غیر جامع می باشند. در حالی که می شد رسالت های دیگری برای مطبوعات در نظر گرفت مثل موارد سرگرمی، طنز، تفریحی و... همچنین جایگاه اصل ۸ قانون اساسی که از اصول مبنایی قانون اساسی می باشد و حق نظارت همگانی را به دنبال دارد، در این موارد خالی می باشد. به علاوه در تبصره موارد ایجابی را به سلبی تبدیل کرده است و در این صورت باید برای رسالت مطبوعات ضمانت اجراء تعیین می کرد ولی تعیین نکرده است.

با همه موارد مطرح شده نباید فراموش کرد که ماده ۲ با تمام نقایصی که دارد اما دارای حسن هایی هم می باشد. مثلا آن که تا حدودی توانسته است جایگاه مسئولیت اجتماعی اهل مطبوعات را روشن کند و یا آن که توانسته است تا حدودی هدف و ارزش مطبوعات را نشان دهد که مطبوعات در راستای آزادی های هدایت شده در چه جهت هایی باید فعالیت کنند. همچنین ماده ۲ قانون مطبوعات به خوبی توانسته است ارزش های دینی و انقلابی کشورمان را به عنوان رسالت مطبوعات هر چند کلی بیان کند.

### نتیجه گیری:

رسالت مطبوعات چیزی متفاوت از کارکرد و وظیفه مطبوعات است و به آن هدف و ارزشی گفته می شود که مطبوعات باید بدان برسند. بین رسالت مطبوعات و نظریه مسئولیت اجتماعی پیوندی عمیق برقرار است تا آن جا که اهل مطبوعات نسبت به ارائه یا عدم ارائه اخبار و اطلاعات احساس تعهد می کنند. بر اساس نظریه مسئولیت اجتماعی مهم است که چه چیزی در دست مخاطبان مطبوعات قرار می گیرد.

فلسفه ی مطبوعات بین دو امر مهم قرار دارد: یکی آزادی مطلق بیان و آزادی بی حد مطبوعات و دیگری حفظ نظم عمومی. آزادی مطبوعات به عنوان یکی از ارزش های مهم بشری است، اما برای آن که هر ارزشی به انحطاط کشیده نشود، باید برای آن محدودیت

هایی قرر داد. رسالت مطبوعات هم به عنوان هدف و ارزش مطبوعات در راستای حفظ آزادی مطبوعات گام بر می دارد؛ لذا در نظر گرفتن رسالت مطبوعات منافاتی با اصل آزادی بیان و آزادی مطبوعات ندارد. لکن کشورهایی که به آزادی بدون محدودیت مطبوعات عقیده دارند، بر این باورند که تمام اخبار و اطلاعات بدون در نظر گرفتن ارزش های حاکم بر کشورشان و نظم عمومی حاکم بر جامعه اشان باید بدون هیچ محدودیتی در دست مخاطبان قرار گیرد. لذا این گروه رسالت مطبوعات را در ذات و کنه مطبوعات می دانند و هیچ هدف و ارزشی را برای مطبوعاتشان در نظر نمی گیرند.

اما ما بر این باوریم که رسالت مطبوعات امری ذاتی نیست و حاصل نظام ارزشی حاکم در هر جامعه می باشد. اسناد بین المللی و منطقه ای حقوق بشر هم بر این ادعا صحنه می گذارند. در این رابطه سازمان یونسکو در گزارش معروف خود تاکید می کند: روزنامه نگاران به خاطر ماهیت کارشان در جهت شکل دادن به اندیشه ها و عقاید، در موضعی به ویژه نیرومند قرار دارند و از نظر بسیاری از مردم، روزنامه نگاری تنها یک حرفه نیست بلکه یک رسالت است.» (McBride, 1375:174)

از همین رو مقنن ما برای اولین بار در سال ۱۳۶۴ (بعد از لایحه ی مطبوعات در سال ۱۳۵۸ اولین قانون مطبوعات پس از انقلاب بود.) با در نظر گرفتن فصلی جداگانه از قوانین رسانه ای، از این نظریه پیروی کرده و با توجه به ارزش های دینی و انقلابی حاکم بر جامعه مواردی را به عنوان رسالت مطبوعات در نظر گرفته است. درست است که این شیوه قانون نویسی بر خلاف عرف می باشد و همان گونه که جایگاه اصل آزادی مطبوعات و محدودیت های آن در قانون اساسی می باشد، جایگاه رسالت مطبوعات هم در قانون اساسی می باشد ولی این خود نقطه عطفی در حوزه مطبوعات ما به حساب می آید.

فصل دوم قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ دارای یک ماده، پنج بند و یک تبصره می باشد. ماده ۲ قانون مطبوعات با وجود آن که شامل عبارات ناقص، آرمانی، کلی، غیر جامع و فاقد ضمانت اجرا می باشند و رسالتی برای امور سرگمی و آموزشی در نظر نگرفته است و همچنین جای نظارت همگانی مردم بر مطبوعات در بین این موارد خالی می باشد، لکن به نظر می رسد تا حدودی به تبیین جایگاه و مسئولیت اجتماعی مطبوعات و اهل مطبوعات توجه شده است و توانسته است ارزش های دینی و انقلابی حاکم بر جامعه را به طور کلی و

غیر جامع بیان کند و همچنین در روشن کردن اهداف و ارزش های مطبوعات در راستای آزادی های هدایت شده گامی هرچند کوچک اما موثر برداشته است.

### منابع:

- قرآن کریم.
- -اسماعیلی، محسن. (بهار ۱۳۸۸). تاثیر انقلاب اسلامی بر کارکرد رسانه ها، مجله رسانه، شماره ۷۷.
- -اسماعیلی، محسن. (بهار ۱۳۷۵). تعریف حقوقی مطبوعات (شرح و تفسیر قانون مطبوعات)، مجله رسانه، شماره ۲۵.
- -امام خمینی، روح الله. (۱۳۷۴) صحیفه نورامام، تهران، وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، جلد دوازدهم.
- -انصاری، باقر. (۱۳۸۱) مسئولیت مدنی رسانه های همگانی، تهران: انتشارات معاونت حقوقی و امور مجلس و ریاست جمهوری.
- -بدیعی، نعیم. (پاییز و زمستان ۱۳۷۲). جایگاه رسالت و مسئولیت اجتماعی روزنامه از دید خوانندگان، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۱ و ۲.
- -برهان، محمدحسین. (۱۳۶۲). برهان قاطع، تهران: امیرکبیر، جلد سوم.
- -تانکارد جیمز و ورنر سورین. (۱۳۸۶). نظریه های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- -خشروزاده، جعفر. (تابستان ۱۳۸۲). مطبوعات و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تاریخ، اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۶.
- -رزاقی، احمد. (۱۳۷۷). جایگاه تبلیغات در جهان امروز، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
- -گولد جولوس و کولب ویلیام. (۱۳۷۶). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: باقر پیرهام، تهران: انتشارات مازیار.

- - معتمدنژاد، کاظم. (۱۳۸۹). حقوق مطبوعات (بررسی تطبیقی مبانی حقوقی آزادی مطبوعات)، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها، جلد یکم، چاپ ششم.
- - مک براید، شن. (۱۳۷۵). یک جهان چندین صدا، ترجمه: ایرج پاد، تهران: سروش، چاپ دوم.
- - وطن دوست، رضا. (سال ۱۳۸۸). مسئولیت پذیری و مسوولیت گریزی (فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه های اسلامی)، مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ اول.
- - رای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، کلاسه پرونده ۸۰/۳۰۱ به شماره دادنامه ۱۳۸۱/۴/۲، مورخ ۱۳۸۱/۴/۲.

- - Sibert Freds, Peterson Theodor and Schramm Wilbur, four Theories of the press (Urbana, University of Illinois press, 1965)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی